

مرتجعین و ضد انقلابی‌هایی که یکرور به سازمانهای سیاسی
وروز دیگر به زنان حمله میکنند

باید مجازات شوند



این صحنه‌ایست آشنا، نظیر صحنه‌های روزهای سیاه گذشته که مبارزات آزادیخواهانه خلق ایران با گلوله پاسخ داده میشد... اما با کمال تأسف این‌گونه شایسته از تظاهرات زنان در چند روز گذشته که با گلوله عوامل مرتجع مواجه گردیده

سختگوی سازمان چریک‌های فدائی
خلق ایران طی یک مصاحبه مطبوعاتی
وردیولتویزیونی که یکشنبه گذشته
در حضور خبرنگاران داخلی انجام شد
اظهار داشت:

در روزهای اخیر دیده شده است
که به اجتماعات مردم حمله میکنند،
مزاحمت‌هایی برای مردم ایجاد میکنند
به مضر بودن و مجروح کردن برخی
از مخالفان می پردازند، تهدیدهای

نسبت به مطبوعات به چشم میخورد،
به کتاب‌فروشی‌ها حمله شده و کتاب‌ها را از بین
برده‌اند. در سه روز گذشته بیش از ۲۰
مورد حمله، آتش سوزی و خرابکاری

بقیه در صفحه ۲

کشتار و مجروح کردن کارگران شهر صنعتی البرز یک اقدام ضد انقلابی است

صبح روز پنجشنبه هفته گذشته بار دیگر
دست‌انقلاب، به بهانه دفاع از مذهب از
آستین بیرون آمد و خون پاک دوتن از کارگران
مبارز البرز زمین ریخت.

قبل تدارک دیده شده بود، تک‌تک عناصر
مبارز و کارگران فعال را به باز جویی بردند و
گروهی از آنها را به خارج کارخانه برده و
بدست چماق‌داران سپردند. بر اثر این حمله
ناجوانمردانه فاجعه‌ای رخ داد که منجر به

شهادت یک کارگر مبارز بنام قاسم طه
و مجروح شدن یک کارگر دیگر شد. ما این
کشتار را در شرایطی که هنوز پیاد هروها و
صحن کارخانه‌ها از خون مبارزان گلگون
است، بعنوان سندی از ادامه جنایات فجیع
و بیش‌ترانه سرمایه‌داران وابسته با امپریالیسم
تلقی کرده و در صورت تکرار آنرا بی جواب
نخواهیم گذاشت.

سرمقاله: ماسک‌های جدید

تمام بند و زنجیرها پاره شده یا در حال پاره شدن است. ساواک
اداره‌های حفاظت و نیروهای سرکوب، قسمتی نبود و قسمتی محدود و بی‌اثر
شدند. یا لا اقل زیر پوشش اعلام همبستگی موقتا به عقب نشینی دست زدند
مهمتر از همه زنجیرهایی بود که بر فکر و اندیشه و آگاهی افراد گذاشته شده
بود. حالا این زنجیرها هم با شرکت فعال زحمتکشان در انقلاب کم کم دارد
برداشته میشود. توده‌های مردم، کارگران و زحمتکشان دارند در جریان
مبارزه نسبت به مسائل خودشان و منافع طبقاتی شان آگاهی پیدا میکنند.
آنها دارند دوست و دشمن خود را کم کم تشخیص میدهند و راه مقابله با
دشمن را که همان اتحاد و تشکیل است یاد میگیرند. در این شرایط، آیا
امپریالیسم و عوامل داخلی یعنی آن نیروهای ضد خلقی وابسته به بیگانگان
که در داخل کشور کاری جز چپاول و استثمار توده‌های مردم به ویژه کارگران
ندارند بیگانه‌تر میشوند؟ آیا آنها دست روی دست میگذارند و به تماشای
این صحنه می‌نشینند؟ آیا در مقابل قیام مردم و از دست رفتن منافعی که
هیچ اقدامی نمیکند؟

طبیعی است که دیگر به نام ساواک و اداره حفاظت کاری نمیتوان کرد
بهترین کار ممکن برای امپریالیسم و سرسپردگانش این است که ماسک انقلابی
برچهره عوامل و مزدوران خود بگذارند و با سوء استفاده از نام سازمانهای
انقلابی و ادعای وابستگی به انقلاب، زنجیرهایی را که در حال از هم گسیختن
است دوباره به دست و پای مردم ببندند و آسارتی تازه بوجود آورند. روزی
نیست که ما در باره این سوء استفاده‌ها و توطئه‌ها مطلبی در روزنامه‌ها نخواهیم
و البته نمونه‌های بسیار زیادتری هم هست که در جایی منعکس نمیشود. مثلا
خبر داریم که کسی که خود را فدائی معرفی میکرد مانع پخش اعلامیه‌های
سیاسی شده است. خبر داریم که در شهرک اکباتان در تاریخ ۱۶/۱۲ شخصی
که خود را مجاهد معرفی میکرد و میگفته تازه از زندان آزاد شده است با تهدید
اسلحه و توهین قصد اخراج در یک اجتماع کارگری را داشته است. البته
کارگران به او مشکوک شدند و هنگامی که قصد داشت با یک اتومبیل نخست‌وزیری
آنجا را ترک کند دستگیر شدند. در تحقیقات معلوم شد که او واقعا سابقه زندان
دارد، اما به جرم گلاهداری و شراکت نه بغنوان مجاهد بودن. معلوم
شد که کارفرما او را اجیر کرده است که با تهدید و نفاق افکنی مانع تشکیل
کارگران شود.

در شرایط حاضر، بیشتر این عوامل ضد خلقی که بوسیله کارفرما اجیر
میشوند پایه نفع اوکار میکنند خود را نماینده کمیته‌های امام معرفی میکنند.
در بسیاری موارد پس از تحقیق معلوم میشود که ادعای آنها بی اساس بوده
است و خود سرانه یا به درخواست کارفرما مداخله کرده‌اند. ولی متأسفانه
در مواردی هم مشاهده میشود که برخی عناصر شناخته شده توانسته‌اند با زدن
ماسک انقلابی بر چهره خود در کمیته‌ها نفوذ کنند.

مثلا در کارخانه بتون سازی با یک مدتی است که کارگران شور و تشنگیل
داده‌اند و مرتباً از طریق سرگرد عربستانی صاحب کارخانه که فراری است
تلفنی تهدید میشوند، این کارگران از کمیته‌ها تقاضای افراد مسلح برای
دفاع از خود کرده بودند. اما با کمال تعجب مشاهده کردند که سرپرست کارخانه
(که قبلاً بیرونش کرده بودند) با افراد مسلح کمیته برای متفرق کردن و
سرکوبی آنها آمده است. در اکثر کارخانه‌ها کسانی اکنون خود را نماینده
کمیته امام معرفی میکنند که مورد قبول و تأیید کارگران نیستند و آشکارا از
منافع کارفرما دفاع میکنند. مثلاً در همان شهرک اکباتان که قبلاً ذکر شد
مهندس صباغیان رئیس کمیته امام پسر خاله یکی از اعضای هیئت مدیره
است. یا در کارخانه جنرال صنعتی دومهندس که نماینده کمیته امام هستند
کارگران را تحت فشار میگذارند و حتی به جرم رفتن به دانشگاه از آنها
بازجویی میکنند.

در گذشت همسر مجاهد بزرگ آیت‌الله طالقانی را
با پاشان تسلیم می‌گوتیم.
سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

نابود باد حاکمیت امپریالیسم و نوکرانش، برقرار باد حاکمیت خلق

در این شماره:
- نامه‌ای سرگشاده به نخست‌وزیر.
- مصاحبه مطبوعاتی سازمان فدائی
مصاحبه با آیت‌الله حسینی
- مرتجعین باید مجازات شوند.
- توصیه سرمایه‌داران به دولت
- در کارخانه‌ها چه میگذرد؟
- سرهنگ توکل باید دستگیر شود.
- اخبار خارجی... خواستهای دمکراتیک زنان.
- اخبار روستا... خواستهای سربازان پرسنل ارتش
- مصاحبه با یک زن کارگر.
- کارگران سخن میگویند... برگزاری مراسم اول ماه مه
- نماینده دولت انقلابی، معاون وزیر بود
- سندی تازه از خیانت سرلشکر قره‌نی.
- آزاد کردن قاتل نجات الهی.
- حمله مرتجعین به مردم و ستاد فدائیان در شهرستانها.

نامه سازمان به مطبوعات
ما از اقدامات دمکراتیک و ضد امپریالیستی
پشتیبانی میکنیم.
ما طی اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها مواضع خود را نسبت
به تحولات اخیر و دولت موقت اعلام کرده‌ایم. گفته‌ایم که تجدید
سازمان ارتش سابق و گماشتن فرماندهان طرفدار امریکادراس آن که
مورد حمایت دولت است بزرگترین خطری است که انقلاب ایران
را تهدید میکند. گفته‌ایم که برای حل مسائل انقلاب باید راه‌حلهای
انقلابی بکار گرفت نه راه‌حلهای محافظه کارانه. گفته‌ایم که میزان
حمایت مازد دولت بازرگان یا هر دولت دیگری بستگی دارد به پیگیری آنها
در مبارزات ضد امپریالیستی و چگونگی دفاع از حقوق دمکراتیک خلقها
در چهارچوب برنامه حداقل ما.
گفته‌ایم که از اقدامات دولت در جهت تقویت نهادهای دمکراتیک
پشتیبانی میکنیم و...
بقیه در صفحه ۷

آیا توصیه سرمایه داران مورد قبول دولت و کمیته ها قرار نمیگیرد؟

کارگران سخن میگویند:

اکنون که کارگران و زحمتکشان کشور ما پس از جنبش خونین یکساله با مشکلات جدیدی روبرو هستند سرمایه داران وابسته و عوامل ارتجاعی آنها میکوشند تا با کارکنانی ها و توطئه های جدید مانع اتحاد و تشکل آنان شوند ، ما وظیفه خود میدانیم در این نشریه سخنان رفقای کارگر را بگوش دیگر کارگران برسانیم تا بتوانند تجربه های خود را به یکدیگر منتقل کنند . در شماره قبل ، بخشی از سخنان رفقای کارگر را درباره دلایل عدم تشکل کارگران ذکر کردیم . این رفقا دلایل دیگری نیز ، مانند پراکندگی کارخانه ها ، وجود کارگرهای فصلی ، وجود عناصر مزدور و جیره خواران کارفرما و غیره ذکر میکردند .

در اینجا بخشهایی از سخنان رفقای کارگر را درباره ضرورت اتحاد کارگران و چگونگی تحقق یافتن آن نقل میکنیم .

اتحاد همه در مقابل کارفرما و تشکیل سندیکا :

وقتی ما شعار " اتحاد - مبارزه - پیروزی " رامیدهم یک عده میگویند شعار کمونیستی است . ولی من کارگر به خودم میگویم من باید آنقدر معلومات قوی باشم که بتوانم به آنها ثابت کنم غیر از این راه دیگری نیست . اگر اتحاد نداشته باشیم نمیتوانیم مبارزه کنیم . اگر اتحاد نداشته باشیم چه در منافع اقتصادی ، چه در منافع ملی هرگز پیش نخواهیم رفت . اگر من کارگر امروز در این سنگر نتوانم شعار کارگریم را بدهم و تسلیم شوم به منافع یک سرمایه دار و به شعار یک سرمایه دار هرگز پیش نخواهم رفت .

در این انقلاب همانطوریکه ما کارگرها هوشیار میشویم سرمایه دارها هم هوشیار میشوند که راه جدیدی پیدا کنند که چطور جلوی کارگران بایستند و نگذارند که کارگران به حق خودشان برسند . من میخواهم بگویم اختلاف ما اختلاف مذهب و غیر مذهب نیست ، تضاد ما بین کسی است که کارگر است و کسی که سرمایه دار است . اختلاف ما بین کسی که نماز میخواند و کسی که نماز نمیخواند نیست ، اینجا مسجد نیست ، اینجا کارخانه یا کارگاه است که سرمایه دار راه انداخته که شیره مارا بکشد و سرمایه دار بشود . باید حواسمان جمع باشد که اینها میخواهند قضیه را لوٹ کنند . ساواک آزما ، چه کار میکند؟ ما ایستاد ، اگر کسی توی کارخانه حرف میزد میگرفت و سربیه نیست میکرد . ما کشته ندادیم که ساواک برود ولی سرمایه دارها زیر پوشش مذهب یا هر پوشش دیگری بیایند و توی سرمایه بزنند . ما به خاطر تغییر اسم که انقلاب نکردیم ، انقلاب

میکنیم که از زیر ستم و زور بیرون بیاییم . این نیست که جلوی پهلوی بایستیم ولی وقتی سرمایه دارها زیر پرچم مذهب یا هر پرچم دیگری باشند ، حرفشان را قبول کنیم . نه ، هر مسلکی که بگذارد به زندگی خودمان ادامه دهیم و حق ما را به ما بدهد حرف او را قبول داریم . نه سرمایه داری که زیر پرچم دیگری رفته و زور میگوید . ما کارگرها نمیتوانیم هر کدام به تنهایی برویم و در خیابانها داد بزنیم . البته اگر حقوق ما زیر پا گذاشته شد اول بصورت اعتراض و داد و بیداد و آخرش هم اگر مجبور باشیم با مسلسل (بسته به اینکه با چه کسی طرف باشیم) حقمان را بگیریم . ما باید راه مبارزه را یاد بگیریم . باید نمایندگان واقعی انتخاب بکنیم . یک کارگر خیلی راحت میتواند بفهمد که دوروبرش را چه کسانی گرفته اند . چه کسی دوستدار کارگر است و چه کسی دشمن او . اگر چه بخواید با ظاهر سازی و توجیه های کودکانه ، به خیال خود ، کارگر را گول بزنند .

بقیه بس مقاله

نمونه های این اقدامات ضد خلقی در محیط های کارگری بسیار زیاد است . در همه جا این مدافعان کارفرما عوامل رژیم سابق با انتصاب خود به سازمانها و کمیته ها و با زدن برچسب خائن و ساواکی و منافق و غیره به هر کسی که از منافع زحمتکشان دفاع کند ، هر صدای اعتراضی را خفه میکنند و مانع اجتماع و تشکل یافتن زحمتکشان میشوند . این نوع برخورد ها تنها به محیط های کارگری محدود نمیشود . در مدارس ، در دانشگاهها ، در ادارات ، در روستاها ، خلاصه در همه جا کسانی پیدا میشوند که با در دست داشتن کارت های قلبی یا واقعی کمیته همان نقش ساواک و اداره های حفاظت گذشته را بازی میکنند . کتابها و نشریات را ضبط میکنند و از بین میبرند ، پخش کنندگان - اعلامیه ها را دستگیر و بازجوئی میکنند . حتی در مواردی در خیابان آنها را گتک میزنند و مجروح میکنند . هر دسته و گروهی را که خواستهای صنفی و سیاسی خود را مطرح کنند مورد حمله قرار میدهند . میبینیم که شیوه ها همان شیوه های سرکوب گذشته است اما ماسکهایی که این افراد بر چهره دارند عوض شده است .

ما برای خنثی کردن توطئه های امپریالیزم و عوامل داخلی آنها که میخواهند با نفاق افکنی و ایجاد تفرقه در صفوف خلق زمینه را برای تعرض مجدد خود آماده کنند لازم میدانیم دولت بازرگان کلیه کسانی را که به دروغ خود را نماینده کمیته امام معرفی میکنند تعقیب و بشدت مجازات کند .

صاحبان یک شرکت تولیدی خصوصی ، نامه ای برای کمیته انقلاب ، دفتر بررسی صنایع ، فرستاده اند . لازم دانسته اند " نکاتی را که مشکل اساسی نبوده اند ولی در وضع فعلی میتوانند مسئله ساز باشند به استحضار " برسانند . آنها ضمن شرح مشکلات شرکتها در این روزها چنین نوشته اند .

" در چنین وضعی اغلب شرکتها از جمله این شرکت با مشکل پرداخت حقوق کارگران خود مواجه گردیده اند که بنظر ما چنانچه راه حل فوری و عاجل برای آن اتخاذ نگردد ، مشکلات بزرگتری را به دنبال خواهد آورد . زیرا اخیرا عده ای از گروههای مسلح که خود را مدافع منافع کارگران قلمداد میکنند به کارخانه ما - جمع کرده و با تشویق و تهییج کارگران ، کارفرمایان را تحت فشار شدید قرار داده

و حتی مدیران و سرپرستها را از کارخانه اخراج مینمایند . و اگر درست توجه کنیم در اکثر موارد تنها چیزی که کارگر به آن رسیده است حقوق و مزایای است که حقا به وی تعلق داشته است و هیچکس حتی مدیران نیز منکر آن نبوده اند . نتیجه نامطلوب این روش تنها اخراج

کمیته های فداایی است که در دوران رژیم سابق به زور از دهقانان غصب شده است . این زمینها باید به صاحبان اصلی آنها یعنی دهقانان داده شود . در مورد کارگران نیز باید گفت ، کارگران نیز طی نامه های بسیار مسائل و مشکلات خود را با سازمان در میان می گذارند .

دولت باید از اخراج کارگران از کارخانهها جلوگیری کند و سرمایه داران فاسدی که با غارت ثروتهای ملی به خارج گریخته و با غارت کارگران را به غارت برده اند ، کارخانه های آنها متعلق به کارگران - است . ثروتهای این سرمایه داران باید ملی شود و اداره و کنترل این کارخانهها باید به کارگران واگذار شود . همچنین بیش از یک میلیون کارگری دارند . مشکل کارگران چیزی نیست که بتوان به فرداموگول کرد . خانواده کارگران بیکار در خطر گرسنگی هستند . موضوع دیگری که باید مورد دقت جدی قرار گیرد مشکل زاغه نشینان و بی خانمانی صدها هزار نفر در جوار شهرهاست . اینها همه قربانیان خرابی کشاورزی ایران هستند . از طرفی آپارتمانهای مجهزی توسط دربار و ایادی آن ساخته شده است

که اغلب صاحبان نشان از کشور گریختگان دولت میتواند تمام زاغه نشینان را ، به این آپارتمانها منتقل کند . و اینکار بیش از چند روز فرصت نمیشود .

دولت باید از اخراج کارگران از کارخانهها جلوگیری کند و سرمایه داران فاسدی که با غارت ثروتهای ملی به خارج گریخته و با غارت کارگران را به غارت برده اند ، کارخانه های آنها متعلق به کارگران - است . ثروتهای این سرمایه داران باید ملی شود و اداره و کنترل این کارخانهها باید به کارگران واگذار شود . همچنین بیش از یک میلیون کارگری دارند . مشکل کارگران چیزی نیست که بتوان به فرداموگول کرد . خانواده کارگران بیکار در خطر گرسنگی هستند . موضوع دیگری که باید مورد دقت جدی قرار گیرد مشکل زاغه نشینان و بی خانمانی صدها هزار نفر در جوار شهرهاست . اینها همه قربانیان خرابی کشاورزی ایران هستند . از طرفی آپارتمانهای مجهزی توسط دربار و ایادی آن ساخته شده است

بعد از نوبت ما میکنیم ، روش مطمئنتری در پیش میگیرد ، یعنی بدون ایجاد هرگونه خرابی و ضرورتی به تغییر ماهیتهای بردار و این کار مرحله به مرحله و در میان مدت و دراز مدت انجام میگیرد ، پیشنهاد میکنیم که رادیو و تلویزیون در جهت اعاده روشهای اقتصادی اسلام تقویت و بسیج شده و ضمن تشریح جامعه ایده آل آینده ترتیب اجرای برنامه های بلند مدت اقتصادی دولت انقلابی را به تدریج برای عموم طبقات روشن نماید ."

ما قضاوت درباره نظرات و پیشنهادات این خیر خواهان صاحب سرمایه را که در زیر پوشش دفاع از مذهب و با سوء استفاده از نام رهبری روحانیت در پی حفظ منافع خود هستند ، به عهده شما کارگران و زحمتکشان مبارز میگذاریم و تصور میکنیم

تنها توجه شما به وقایع اطراف افتان بخوبی نشان خواهد داد که این توصیه ها تا چه حد بکار گرفته شده و در عمل پیاده شده اند به بیانی دیگر دولت موقت که در پی اعتصابات ، تظاهرات و مبارزات خونین شما کارگران و زحمتکشان به قدرت رسیده تا چه حد به توصیه های خیر خواهان گردن نهاده و آنها را اجرا میکند .

..... باید مجازات شوند

زمینهایی است که در دوران رژیم سابق به زور از دهقانان غصب شده است . این زمینها باید به صاحبان اصلی آنها یعنی دهقانان داده شود . در مورد کارگران نیز باید گفت ، کارگران نیز طی نامه های بسیار مسائل و مشکلات خود را با سازمان در میان می گذارند .

دولت باید از اخراج کارگران از کارخانهها جلوگیری کند و سرمایه داران فاسدی که با غارت ثروتهای ملی به خارج گریخته و با غارت کارگران را به غارت برده اند ، کارخانه های آنها متعلق به کارگران - است . ثروتهای این سرمایه داران باید ملی شود و اداره و کنترل این کارخانهها باید به کارگران واگذار شود . همچنین بیش از یک میلیون کارگری دارند . مشکل کارگران چیزی نیست که بتوان به فرداموگول کرد . خانواده کارگران بیکار در خطر گرسنگی هستند . موضوع دیگری که باید مورد دقت جدی قرار گیرد مشکل زاغه نشینان و بی خانمانی صدها هزار نفر در جوار شهرهاست . اینها همه قربانیان خرابی کشاورزی ایران هستند . از طرفی آپارتمانهای مجهزی توسط دربار و ایادی آن ساخته شده است

دولت باید از اخراج کارگران از کارخانهها جلوگیری کند و سرمایه داران فاسدی که با غارت ثروتهای ملی به خارج گریخته و با غارت کارگران را به غارت برده اند ، کارخانه های آنها متعلق به کارگران - است . ثروتهای این سرمایه داران باید ملی شود و اداره و کنترل این کارخانهها باید به کارگران واگذار شود . همچنین بیش از یک میلیون کارگری دارند . مشکل کارگران چیزی نیست که بتوان به فرداموگول کرد . خانواده کارگران بیکار در خطر گرسنگی هستند . موضوع دیگری که باید مورد دقت جدی قرار گیرد مشکل زاغه نشینان و بی خانمانی صدها هزار نفر در جوار شهرهاست . اینها همه قربانیان خرابی کشاورزی ایران هستند . از طرفی آپارتمانهای مجهزی توسط دربار و ایادی آن ساخته شده است

اول ماه مه راه چاره باشکوهت را برگزار کنیم



آیت الله عزالدین حسینی :

اتهام تجزیه طلبی بهانه‌ای برای پایمال کردن حقوق خلق کرد است

در پی مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران، خلق کرد نیز که دوش بدوش سایر خلقها با استبداد و امپریالیسم مبارزه کرده بود خواستار رفع ستم ملی شد و توجه همه خلقها و جهانیان را به خود جلب کرد. در روز پنجشنبه ۱۳ اسفند ماه در منزل آیت الله حسینی صاحبهای توسط روزنامه نگاران انجام شد که ما قسمتهائی از آنرا در اینجا چاپ میکنم :

س- خودتان را معرفی کنید و از مبارزاتتان در گذشته بگوئید.

ج- من سید عزالدین حسینی امام جمعه شهر مهاباد و مدرس مدرسه علوم دینی هستم. کافست؟ مبارزات سیاسی من از شهریور ۱۳۲۰ شروع می شود و برای تحقق بخشیدن به دموکراسی و بدست آوردن حقوق ملی خلق کرد مبارزه کرده‌ام و این مبارزات اکثر "پنهانی و گاه در موقع مناسب آشکارا" بوده است. در زمان مرحوم دکتر مصدق با مبارزات ایشان همگامی داشتم در تمام این دوران همیشه حقایق سیاسی و مذهبی را بازگو کرده‌ام، با خرافات و اباطیل و جمود مذهبی مبارزه کرده‌ام، بر علیه ظلم و استبداد و حکومت خودکامه جهاد کرده‌ام و بارها از طرف مقامات مورد بازجویی قرار گرفتم ولی بواسطه موقعیت خاص روحانی که داشتم نمی توانستند مرا تهدید یا زندانی کنند و تنها تهدید می کردند. اخیراً که مبارزات علنی شد من در صفا اول آن در کردستان بعنوان روحانی قرار گرفته و در تمام تظاهرات، اعتصابات و سخنرانیها شرکت کردم.

س- آیا فکر میکنید بعد از جریایات اخیر به آزادی رسیده‌ایم؟
ج- خیر. هنوز در نیمه راه هستیم ولی کوه استواری که در مقابلمان بود و از پیشرفت ما جلوگیری میکرد از بین رفته است.

س- موقعیت امپریالیسم را در ایران در حال حاضر چگونه میبینید؟
ج- امپریالیسم در ایران شکست خورده ولی هنوز از معرکه خارج نشده است و تلاش میکند اگر از یک دربیرون رانده شده از در دیگر وارد شود.
س- بنظر شما رابطه مذهب و سیاست چگونه است؟

ج- در شرایط فعلی مذهب بعنوان اینکه قدرت سیاسی را در دست گیرد و حکومت کند قابل پذیرش نیست چون نمیتواند اینکار را بکند و چیزی که بر مردم میتواند حکومت کند عقاید سیاسی است و آن جنبه‌ای از مذهب قادر است بر مردم حکومت کند که شکل سیاسی آن باشد. بعقیده من تمام احزاب سیاسی مترقی باید در حکومت شرکت کنند البته به استثنای آنهایی که

وابستگی به کشورهای خارجی دارند. اما من مذهب را نفی نمیکنم و عقیده مترقی اسلام را تأیید میکنم چون روح فضیلت و تقوا را در جامعه رواج میدهد. س- بنظر شما دولت موقت انقلابی چه خصوصاتی باید داشته باشد و رفتارندوم آینده باید به چه شکل باشد؟

ج- بعقیده من دولت موقت باید راه را برای استقرار حکومتی که مردم میخواهند (نه آنچه که بر آنها تحمیل میشود) باز کند و یک واسطه انتقالی باشد تا مردم آزادانه تصمیم بگیرند که چگونه حکومتی میخواهند نه اینکه چیزی بر آنها تحمیل شود. باید به مردم آزادی داد تا بتوانند از نظر تبلیغاتی روشن شوند و از احساسات کنونی رها شوند و آزاد فکر کنند نه اینکه از طریق بلندگوها، یک شکل حکومت تبلیغ شود چون در اینصورت چیزی که حاصل میشود بیانگر عقیده

اگر حکومت دمکراتیک خلقی داشته باشیم گارها درست می شود. تا وقتی ارتش از عناصر ضد انقلابی تصفیه نشود بیم بازگشت ارتجاع هست

همه مردم نیست و این سوال که آیا حکومت اسلامی میخواهد یا نه نادرست است. این درست نیست که بگوئیم حکومت اسلامی آری یا نه؟ این مثل کارهای رستخیزی است. اگر به مردم اجازه دهند حکومت دمکراتیک میخواهند که در آنصورت آزادی برای سایر نیروهای مترقی نیز خواهد بود و گرنه دیکتاتوری روی کار خواهد آمد.

س- نقش سازمانها و گروههای غیر مذهبی در مبارزات اخیر بنظر شما چه بوده است؟

ج- سهم بسیار بزرگی داشته‌اند آنها در این مبارزات شریک بوده‌اند و نمیتوان سهمشانرا نادیده گرفت. به تمام نیروهاییکه جانبازی کرده‌اند و شهید داده‌اند ارج مینهم، هر چند من به هیچ گروه خاصی حتی مذهبی بستگی ندارم ولی هر گروهی که فداکاری کرده باشد از هر فرقه و مذهب محترم و ارجمند است.

مردم باید بتوانند در مسائل مذهبی و سیاسی آزادانه تصمیم بگیرند

س- رابطه شما با آیت الله طالقانی در چه حدی است؟

ج- من با ایشان رابطه‌ای ندارم ولی طالقانی را درک میکنم و او را مترقی میدانم، همینطور دکتر شریعتی را.

س- نقش این گروهها در کردستان چه بوده است و اصولاً چه گروههایی در کردستان بیشتر فعالیت دارند؟

ج- در کردستان مبارزات سیاسی با مبارزات کلی دیگر نقاط ایران فرق

دارد؛ مبارزه در ایران بطور کلی بر علیه ظلم و استبداد و برای آزادی بوده است ولی در کردستان رنگ مذهبی کمتری داشته. در کردستان رنگ ملی و سیاسی آن غلبه بیشتری داشته است. ما از همان روز اول از برخورد گروههای سیاسی و مذهبی جلوگیری کردیم و نگذاشتیم مذهبیها و گروههای دیگر در مقابل هم قرار

ستم و استبداد و خفقان نباید در لباس مذهبی رجعت کند.

گیرند (چنانکه در سندج اتفاق افتاد) و گفتیم افق سیاسی ما وسیع تر از افق مذهبی ما است و باید آنرا آنقدر وسیع کنیم که تمام گروهها با هم باشند تا بتوانیم به هدف برسیم زیرا اگر این دو گروه در مقابل هم باشند توانائی انقلاب را ضعیف خواهند کرد و پس از انقلاب نیز این گروهها در مقابل هم خواهند بود و مسائل انقلاب را نخواهیم توانست بسادگی حل کنیم. در مورد قسمت دوم سوال هم باید بگویم در اول گروههایی در اینجا نبودند و انقلاب قبل از سازماندهی شروع شد ولی در طول مبارزه حزب دمکرات کردستان ایران تجدید حیات کرد و فدائیان و گروههای مترقی دیگری هم هستند که برخی از آنها هنوز شکل نگرفته‌اند ولی همه آنها مترقی هستند. حزب توده هم هست ولی بسیار ضعیف و با نقش اندک. که تقریباً "رو به اضمحلال میبرود.

مذهب به عنوان اینکه قدرت سیاسی را در دست بگیرد و حکومت کند قابل پذیرش نیست.

س- رابطه حکومت آینده را با مسائل کردستان چگونه میبینید؟

ج- باید توضیح دهم که کرد ایرانی جزء لاینفک ایران است و میخواهد در درون ایران و با برادران ایرانی زندگی کند و در تمام مبارزات و تمام امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با خلقهای دیگر ایران سهیم باشد. اتهام تجزیه طلبی بهانه‌ای برای پایمال کردن حقوق ماست روی این اصل با حکومت موقت دو نوع رابطه داریم:

اول عمومی و در سطح کشور که همانند رابطه حکومت با خلقهای دیگر ایران است. دوم رابطه خصوصی که در ارتباط با مسئله خودمختاری کردستان است و پیشنهاد ما ماده‌ای ما را در اینمورد برده‌اند که در تهران روی آن مذاکره کنند. هنوز به ما جوابی نداده‌اند ولی ما انتظار داریم که جواب مثبت بدهند چون خودشان را مسلمان و حکومت را دمکراتیک میدانند. پس هم از راه شرع و هم از راه طبیعت و انسانیت موظفند که به ما جواب مثبت بدهند و اگر اینکار را نکنند باید نام خودشان را عوض کنند.

انتصابات از بالا، بازگشت به گذشته است

کارگران، دهقانان، دانشگاهیان، پرسنل ارتش و همه انقلابیون شرکت در شوراها را حق خود میدانند.

ضرورت تشکیل شوراهای خلق در سطحی گسترده برای حفظ و حراست دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن مسئله روز است. سالیان دراز بود که یک مشت وطن فروش فاسد، اداره امور مملکت را در دست گرفته بودند و خلق ما هیچگونه شرکتی در سرنوشت مملکت نداشت. اکنون خلق ما به دنبال نبرد خونین خود با تجربه‌ایکه از گذشته بدست آورده است به این نتیجه رسیده که باید در اداره امور مملکت خود فعالانه شرکت داشته باشد اما چگونه میتوان تضمین کرد که این شرکت واقعی باشد و ادامه یابد؟ آیا انتصابات از بالا این خطر را در بر ندارد که فردا به سرنوشت گذشته گرفتار شویم؟ آیا کسانی که بطور انتصابی در اسامی قرار میگیرند میتوانند مسائل مردم را بدانند؟ بشکل دمکراتیک عمل کنند و در جهت منافع خلق کام بردارند؟ واقعیت اینست که با تجربه‌ایکه خلق ما دارد میدانند که هیچگونه تضمینی در این زمینه وجود ندارد و حتی مطمئن است که انتصابات خطری جدی و بازگشتنی است به گذشته مگر نه این است که تا بحال دیده‌ایم فرماندهی که بشیوه انتصابی در اسامی واحدهای ارتشی گماشته میشد چگونه عمل میکرد و نتیجه اش چه بود؟ مگر نه این است که فلان رئیس انتصابی همه پست‌ها را در اختیار نزدیکانش میگذاشت، هیچ ضابطه‌ای را که مبنی بر لیاقت و شایستگی باشد رعایت نمیکرد و اصلاً در فکر مردم و مسائل آنها نبود؟ خلق ما یک چنین تجربه‌ای دارد که اکنون بر مسئله تشکیل شوراهای شیوه انتخاب از پائین پافشاری میکند. زیرا بخوبی بی سرده است که شرکت مردم در امور مربوط به خود آنها جز از طریق تشکیل شوراهای انتخاب افرادی که صداقت و لیاقتشان را خود تجربه کرده‌اند، امکان پذیر نیست. تعدادی از کارگران مانند کارگران پیشرو صنعت نفت، ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز و غیره، هم اکنون شوراهای کارگری را در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی خود تشکیل داده‌اند. آنها به درستی بی برده اند که امر شرکت واقعی کارگران در امور مربوط به خود آنها جز از طریق تشکیل شوراهای امکان شرکت در اداره امور کارخانه‌ها فراهم میکند، امکان پذیر نیست. شوراهای کارگران یا کارکنان که آگاهترین و شایسته ترین افراد در آن شرکت دارند، بر نحوه تولید و توزیع نظارت میکنند و در اداره واحد تولیدی شرکت دارند. نظیر چنین شوراهایی باید در همه کارخانه‌ها ایجاد شود تا خود کارگران که تولیدکننده هستند به آدم‌های هیچکاره تبدیل نشوند. سربازان و سایر پرسنل انقلابی ارتش که شیوه سازماندهی و فرمانبرداری کورکورانه را لمس کرده‌اند، بر مسئله تشکیل شوراهای در سربازخانه‌ها اصرار دارند. آنها بی برده‌اند که با تشکیل یک ارتش نوین، خلقی و انتخاب فرماندهان از پائین میتوان از نفوذ عناصر ضد خلقی در امر فرماندهی ارتش جلوگیری کرد و نگذاشت که ارتش به کانونی برای توطئه علیه خلق تبدیل شود. گسترش شوراهای دهقانی در روستاها نیز میتواند دست هزاران مفت‌خور و صدها اداره و موسسه را کسوت کند و در جهت منافع دهقانان کام بردارد و دهقانان خود حاکم بر سرنوشت خویش شوند. تشکیل شوراهای در سطح ادارات دانشگاهها و مدارس و غیره... نیز مانعی است در برابر نابسا مانیها، حق کشیها، و تسلط یک مشت افراد خود فروخته، و فاسد در اسامی امور. همه این شوراهای در صورتیکه به درستی عمل کنند و افرادی را که شایسته و آگاه هستند در خود جای دهند و فعالانه در امور سیاسی شرکت کنند میتوانند تبدیل بارگانهای خلقی برای اداره امور سیاسی کشور شوند. مادر شماره آینده بطور مفصلتر درباره شوراهای صحبت خواهیم کرد.

س- نقطه نظرهایتان بطور کلی در مورد مساله خودمختاری کردستان چیست؟
ج- من در اینباره زیاد نمیدانم ولی خودمختاری اقسام و مراحل دارد من فقط میخواهم در درون حکومت مستقل ایران یک حکومت خودمختار کرد باشد که از حیث فرهنگ و ادارات و مسائل مربوط به ملت کرد خودمختار باشد ولی از حیث ارتش و سیاست خارجی وحدت وجود خواهد داشت.

در کارخانه ها چه میگذرد؟

کارگران را از مسائل سیاسی دور می کنند

از هفته گذشته که اعلامیه های کارگری از جلو کارخانه های علی آباد (شاهی) پخش می شود، از طرف کمیته امام و با همکاری مسئولان کارخانه ها عده ای مامور شده اند که در وقت تعطیل کار، در جلوی کارخانه بایستند و از پخش اعلامیه های کارگری جلوگیری کنند. تاکنون افرادی را در چنین پخش اعلامیه دستگیر و مضروب کرده اند و به کمیته امام برده اند. هم چنین در این شهر افراد کشیک شب از طرف کمیته مامور شده اند که جیب اشخاص را بازرسی کرده و اگر اعلامیه ای داشته باشند آنان را دستگیر و به کمیته تحویل دهند.

پیروزی کارگران گرجی

۶۰۰ تن از کارگران کارخانه بیسکویت سازی گرجی که ۴۰۰ نفر آنها زن هستند پس از مبارزات طولانی موفق شدند ۲۰۰ تن از کارگرانی را که اخراج شده بودند به کارخانه بازگردانند.

انتخاب نمایندگان فاستر ویلر و تهران جنوب

حدود ۳۸۰۰ کارگر و کارمند از کارخانه فاسترویلر، تهران - جنوب (وابسته به صنایع فولاد اهواز) خواستار تشکیل سندیکا شدند ولی شخصی که خود را نماینده کمیته امام معرفی میکرد مانع از تشکیل آن شد و میگفت کسانی که انتخاب میشوند باید زیر نظر ما باشند. او میگفت اگر کسی جلوی کارفرما بایستد شدت تنبیه میشود و اگر گروهی و سازمانی بدون نظر روحانیون دست بکاری بزنند همانطور که رژیم سابق را سرکوب کردیم شدت سرکوب خواهد شد. با این وضع کارگران از رفتن به سر کار خودداری نمودند تا سندیکا و اتحادیه مورد نظرشان بوجود آید.

پایان تحسین موفقیت آمریکاییان

در بی چهار روز تحسین و مذاکرات کارگران رهگستر وابسته به چوکا (رشت) بر طبق توافقاتی که بین کارگران متحصن و نمایندگان استانداری بعمل آمد، کارگران به تحسین خود خاتمه دادند و ضمن آن چند مورد دیگر از خواسته های خود را یادآوری کردند که عبارتند از:

- ۱- بازگشت کارگران اخراجی به سرکار (که مهم ترین خواسته آنها بود و به آن بی توجهی شده بود).
- ۲- رسیدگی به وضع بیمه و پرداخت حقوق دوران بیکاری و حقوق اسفند ماه.
- ۳- لغو جرایم غیرقانونی کارگران در پایان اعلام کردند که اگر حداکثر تا ۶ فروردین کارگران اخراجی به سرکار باز نگردند، برای دنبال کردن خواسته های خود در جلوی ساختمان شرکت اجتماع خواهند کرد.



تحسین مردم لنگرود برای اعتراض به حمله عناصر ناآگاه به نمایشگاه عکس فدائیان

اخراج کارگران از کشتی بوسیله شیلات کارگران یک کشتی (گویا به نام خبیر) که متعلق به اقوام شاه بوده بدلیل نگرانی حقوق ۷ ماه خود آنرا تصاحب کردند تا بتوانند بوسیله آن صید کنند ولی شرکت شیلات از این کار جلوگیری کرد. شیلات این کارگران را از کشتی بیرون کرده و گفته است که شما پروانه صید ندارید. اکنون کارگران بدون کار و حقوق سرگردان مانده اند

در اجتماع مردم آزاد میخواه در دانشگاه تهران مردم فریاد زدند:

دولت باید موضع خود را در برابر توطئه ها روشن کند

هزاران تن از مردم آزادبخسواه شامل: دانشجویان، استادان، کارکنان دانشگاهها و مدارس عالی و گروههای مختلف مردم در اجتماعات دانشگاه تهران شرکت کرده و هرگونه اختناق و فشار و توطئه علیه دستاوردهای خونین انقلاب را محکوم کردند. در روز ۲۰ اسفند اجتماع کنندگان خواهان برقراری روابط دموکراتیک و سرکوب عوامل ضد انقلاب شدند. آنها از دولت خواستند موضع خود را در زمینه موارد زیر صریحا اعلام کند و جلو تکرار این قبیل حرکات ضد انقلابی را بگیرد. در قطعنامه آمده است:

- ۱- چرا در محیط کارخانه ها اقدامات غیر دموکراتیک انجام می گیرد و از ارتباط کارگران با روشنفکران جلوگیری بعمل می آید؟ چرا تعدادی از کارگرانی که بیشترین سهم را در پیروزی انقلاب داشته اند و خواهان سهم واقعی خود از دستاوردهای انقلاب هستند اخراج

می شوند؟
۲- گروهی از عناصر فرصت طلب با ایجاد محیط فاشیستی و تفتیش عقاید در مدارس، مانع از تماس و بحث آموزگاران مبارز با دانش آموزان می شوند و حتی دانش آموزان و آموزگاران را بخاطر عقایدشان تهدید به اخراج می کنند. موضع دولت در قبال این گروهها چیست؟

۳- عناصر ناآگاه و مرتجع به جلسات و نمایشگاههای عکس و فیلم و کتاب گروههای مبارز حمله می کنند. آخرین نمونه اینگونه اعمال ضد انقلابی جمع آوری کتاب "کارگر به پیش است". آیا این اقدامات مورد تأیید دولت است؟

۴- دولت باید با قبول مسئولیت در مورد کارگران و رفقای که بخاطر عقایدشان یا در موقع پخش اعلامیه های سازمانی و تبلیغ افکارشان دستگیر شده اند، توضیح دهد.

۵- ما اعدام ضدانقلابی مبارز شهید "محمود رئیسی" را که تجاوزی آشکار به حقوق انسانی است شدیداً محکوم می کنیم و از دولت می خواهیم در این زمینه در رسانه های گروهی و بیانیه های مستقل نظر خود را اعلام کند.

۶- ما مجازاتهای چون "قطع دست"، "شلاق زدن" و ایتال آنرا محکوم می کنیم.

۷- باید به سانور و تفتیش عقاید در وسایل ارتباط جمعی پایان داده شود و جلو هرگونه تهدید و "قلدری" از جانب "گروههای فشار" گرفته شود.

۸- دولت باید موضع خود را در مورد حمله به سازمانهای چریکهای فدایی خلق و مجاهدین خلق ایران اعلام دارد.

دانشجویان پیشگام:

آزاد کردن عامل قتل استاد «نجات الهی» بی حرمتی به همه شهدای خلق است

حفاظت وزارت علوم را بعهدہ داشته چگونه می تواند جنایتکار و عنصر ضد انقلابی نباشد؟ آیا بعهدہ داشتن ریاست اداره حفاظت و حضور این سرهنگ در روز قتل مدرک جرم نیست؟ آیا اظهارات استادان متحصن که شاهد قتل همسرگشان بوده اند نمی تواند "سندیت" داشته باشد؟

ما آزاد کردن سرهنگ شاه بیگی را بی حرمتی به همه شهدای به خون خفته می دانیم و همراه با مردم و استادان دانشگاهها خواهان محاکمه فوری متهمان این جنایت در دادگاه خلق هستیم.

در صفوف متحد خلق سعی در سرکوب انقلاب و ایجاد زمینه مساعد برای تهاجم مجدد ارتجاع و امپریالیسم می کنند. یکی از جنایتهای وحشیانه رژیم گذشته به شهادت رساندن استاد کامران نجات الهی بود... پس از قیام مسلحانه مردم، دو متهم این جنایت سرهنگ حسن شاه بیگی و ستوان دوم وظیفه "ابوالحسن گلنام" دستگیر شدند. اما سرهنگ شاه بیگی به بهانه نداشتن مدارک کافی آزاد شد! سوال ما این است آیا شخص نامبرده که براساس گفته استادان متحصن، در قتل استاد نجات الهی دست داشته و ریاست اداره

دانشجویان پیشگام دانشگاهها و مدارس عالی آزاد کردن عناصر ضد انقلابی را شدیداً محکوم کردند و خواهان دستگیری مجدد و محاکمه آنها در دادگاه انقلابی خلق شدند. در بیانیه به آزادی "سرهنگ حسن شاه بیگی" رئیس اداره حفاظت وزارت علوم و عامل قتل "استاد کامران نجات الهی" اعتراض شده است.

در این بیانیه آمده است: "هر انقلاب حتی اگر به پیروزی کامل رسیده باشد برای حفظ و تداوم خویش باید به مبارزهای بیگیر علیه باقی مانده عناصر مزدور دست بزند. عناصری که بارخنه

بازهم عناصر مرتجع و ناآگاه مراکز سازمان چریکهای فدایی خلق را مورد حمله و تهاجم قرار دادند.

روز ۱۹ اسفند عده ای به نمایشگاه عکس شهدای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در هنرستان روستائی ساری حمله کردند و پس از پاره کردن عکسها دو نفر را به اتهام توهین به مذهب بازداشت کردند. این چندمین بار است که عناصر مرتجع با تظاهر به دینداری در شهرهای مختلف به این گونه اعمال وحشیانه دست زده اند.

مردم مترقی و انقلابی این گونه رفتارها را محکوم می کنند و ضدانقلابی می دانند.

صیادان و سندیکا



روز شنبه اول اسفند اجتماعی با حضور عده کثیری از صیادان ناحیه ۴ شیلات مازندران در شالان شهرداری گمیش تپه تشکیل شد. پس از بحث و تبادل نظر، صیادان تصمیم به تشکیل سندیکا گرفتند. سپس کارگران صیاد ضمن بیاناتی خواسته های خود را مطرح ساختند.

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

آقای بازرگان

چه کسی باید حقوق مردم را تضمین کند

آقای بازرگان چه کسی باید از حقوق مردم دفاع کند؟

نظریه آشفنگیهای موجود در کار دولت و نظریه پیچیدگیهای که در زندگی مردم است، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مثابه سازمانی که نسبت به سرنوشت توده های ستمکش میهن مسئول و متعهد است، وظیفه خود میداند با طرح یک رشته مسائل مبهم در این نامه و تاکید روی آنها در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اقدام نماید. ما امروز این را خوب درک میکنیم که عوامل غیرسیاسی حق ندارند و نباید به جای دولت تصمیم بگیرند و عمل کنند. ما پیشنهاد کرده ایم مردم در هر محیط و اجتماعی که هستند با تشکیل شوراهای اداره و کنترل امور شرکت کنند و بر کارها نظارت داشته باشند و از این طریق به دموکراتیک ترین شکل ممکن در بازسازی واحای نهادهای اجتماعی اعم از دستگاه دولتی و ارتش و سایر موسسات مشارکت ورزند. فدائیان مشخصا اعتقاد دارند که استحکام دموکراتیک دستگاه دولت و گردش چرخ تولید و انتقال اصولی اختیارات و مسئولیت نهائی حل و فصل امور به دولت و مقابله با هرج و مرج طلبی و آتارشی گری فعلی که از جانب عوامل غیرسیاسی و غیرمتعهد در برابر مردم دامن زده میشود امری است که در این مقطع به سود منافع خلق و به زیان ارتجاع که خواهان تشدید آشفنگیهاست تمام خواهد شد. امری است که بی-توجهی بدان مشخصا میتواند ایران را تا سرحد یک جنگ داخلی ناخواسته به پیش راند. به اعتقاد ما تنها این دولت است که باید و موظف است به انبوه نیازها و انتظارات شورانگیز مردم از انقلاب و رهائی پاسخ گوید. این دولت است که باید حقوق مردم را تضمین کند این دولت است که پاسخگوست و نه هیچ نهاد دیگر.

بحث این نیست که دولت شامی تواند تمام انتظارات شورانگیز را پاسخ گوید، بحث این است که دولت انقلابی موظف است و باید پاسخگوی این همه انتظارات شورانگیز مردم از انقلاب باشد. هیچ ایرانی میهن پرستی نیست که از غلطیدن مجدد ایران به سلطه امپریالیزم و نوکراش خشنود باشد. ما اینرا خوب درک میکنیم که در این شرایط خارج کردن کنترل امور از دست دولت و بویژه تضعیف کارائی آن و سپردن امور بدست کمیته ها، بطور مستقیم به آشفنگی بیشتر اوضاع و در نهایت به رودرروئی جناحهای مختلف جنبش خلق و آغاز جنگی ناخواسته منجر میشود که در این شرایط قطعا حاصل آن تفوق یکی از جناحهای مترقی جنبش خلق نخواهد بود. درست برعکس، حاصل آن سلطه بلامنازع دست راستیهای افراطی ضد مردم خواهد بود که هرچه بیشتر عجله دارند ایران را دوباره تقدیم امپریالیزم کنند. به اعتقاد ما این خیلی منطقی و اصولی است که کمیته های خود باید به مثابه نهادهای دولتی را سازماندهی و کنترل همه امور را بدست گیرند و دولت شوند تا مردم بتوانند تمام خواسته های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود را از آنان طلب کنند، یا باید مسئولیت و اختیارات دولت را به رسمیت شناخته و با اقدامات غیرمسئولانه خود که مستقیما به هرج و مرج در امور می انجامد چوب لای چرخ امور نگذارند.

آقای بازرگان:

شاید شما بهتر از هر کس دیگر بدانید سازمان ما که بیش از هشت سال در بدترین و خفقان آورترین استبداد فاشیستی جنگیده است توان آنرا دارد که راه اقدام کند و عملا موجودیت و رسمیت و مسئولیت دولت را نادیده بگیرد. تصور نرود که سازمان ما نمیتواند مستقلا خائنین به خلق را بازداشت و محاکمه و مجازات کند. سازمان میتواند مسئولیت حفظ و دفاع از مراکز را که خود با پشتیبانی توده مردم فتح کرد، خود مستقیما به عهده گیرد. سازمان به راحتی میتواند حملات تیراکه در روزهای اخیر به نمایشگاهها و مراکز اجتماع هواداران میشود دفع کند و پاسخ گوید. ولی میدانید چرا چنین نکرده ایم و میدانید چرا چنین نمیکنیم؟ نه به این دلیل که مجازات خائنین را به صلاح مردم نمیدانیم، نه اینکه حمله به اجتماعات مردم را تأیید میکنیم و مهاجمان را مستوجب مجازات نمیدانیم. درست برعکس، سخت ترین مجازات در انتظار متجاوزان به حقوق مردم است. سازمان به این دلیل خود را اقدام نمیکند که راه برای اقدام مسئولانه و متعهد دولت باز شود.

آقای بازرگان!

فدائیان خلق بارها در گذشته برای مجازات خائنین به خلق خود مستقلا تصمیم گرفته اند و احکام اعدام انقلابی آنها را خود به اجرا گذاشته اند. اما اگر امروز مستقلا عمل نمیکنیم، دلیلش فقط

آنست که بین ماهیت دولت شما و دولت سرسپرده هویداور رژیم سابق اساسا از بنیاد تفاوت قائلیم. امروز ما معتقدیم وظیفه همه نیروهای مبارز و انقلابی است که با تکیه به سلاح خویش امر مبارزه برای نابودی مهره های اصلی رژیم سابق را نه مستقلا بلکه در رابطه با دولت به پیش برند. ما خود نیز بدینگونه عمل میکنیم اما می پرسیم، برخی که تحت لوای اسلام در کمیته ها چوب لای گردش چرخ امور میگذارند اگر واقعا پشتیبان دولتند پس چرا نظرات و سیاستهای دولت پیروی نمیکنند و آنرا در عمل نقض میکنند؟ او اگر نیستند پس چرا اعلام نمیکنند تا ما هم تکلیف خود را بدانیم؟ اگر آنها مدافع دولت و انقلابند پس چرا حقوق مردم را همانگونه که دولت به رسمیت شناخته به رسمیت نمی شناسند و بدون دستور دولت نیمه شب به خانه مردم میروند؟ چرا عناصر ناآگاه را تحریک میکنند تا با شعار "یا روسی یا توسی" به اجتماعات زنان حمله کنند و زشت ترین توهین را به حیثیت و شرف ایرانی و انقلاب ایران روا دارند؟ آیا اینها سیاست دولت است؟ آیا کسانی که چنین میکنند مدافع دولتند؟ احساس واقعی ما این است که بسیاری از آنان که خود را بالباسی میدل بین مدافعان سرسخت انقلاب جازده اند در حقیقت دارند از پشت خنجر میزنند. عمل این افراد دشمنی با انقلاب و خیانت به آرمان مردم است.

آقای بازرگان!

مطمئن باشید تا هرچه قدر که بخواهید خیل میلیونی مردم بیدار و آگاه ایران از اقدامات شما در زمینه تامین حقوق دموکراتیک مردم پشتیبانی خواهند کرد و نیز مطمئن باشید چنانچه با عدم درک مسئولیت، امور را به حال خود رها کنید تا هر کس هر کاری دلش میخواهد بکند، قطعا راه را شما برای بازگشت ارتجاع باز گذاشته اید و نه هیچ کس دیگر.

آقای بازرگان!

تردید نداشته باشید که هیچ یک از مزدوران رژیم سابق و کاسه لیسان شاه در عمل جانب مردم و انقلاب را نخواهند گرفت. ما بخوبی شاهد آنیم که شما با اشاره به تخصصهای این مزدوران وجود آنها را برای باز سازی دستگاه دولتی و ارتش مفید تشخیص داده اید و حساسترین پستها و مسئولیتهای راه امثال سرلشکر قره نی ها و اگذار کرده اید. شما سرلشکر قره نی را به ریاست ستاد ارتش گمارده اید. به شامیگوئیم که اینکار بازی کردن با سرنوشت انقلاب است. اینکار، ماردر آستین پروراندن است. آیا بهترینیت به جای متوسل شدن به جلادان و دزدان حرفهای رژیم سابق از طریق شوراها به مردم متکی شوید؟ مردم البته از دولت شما انتقاد دارند و صد برابر تمام انتقادات، توقع، و درراس تمام منتقدین هم سازمان ما قرارداد. ما به هیچ وجه دولت شما را کمال مطلوب خلق نمیدانیم، ولی این به هیچ وجه بدان معنی نیست که مردم و ما حاضر نیاشیم برای دفاع از اقدامات شما در کوتاه کردن دست مرتجعینی که به مال و جان و ناموس مردم تجاوز میکنند، آنانکه بر ضد انقلاب توطئه میکنند، آنانکه از پشت به مردم خنجر میزنند، تا پای جان بایستیم.

آقای بازرگان!

آیادولت حمله به نمایشگاه عکس شهدای بخون خفته خلق را تأیید میکند؟ آیادولت تهاجم به زنان را تأیید میکند؟ آیادولت کتک زدن و مجروح کردن توزیع کنندگان اعلامیه های سازمانهای شناخته شده را تأیید میکند؟ آیادولت شامحمله مسلحانه به اجتماع کارگران را که خواستار اخراج روسا، ساواکی مزدور شده بودند، تأیید میکند؟ آیادولت شاماین قبیل اعمال را ضد کارگری نمی شناسد؟ آیا دولت از حمله به مراکز فعالیت گروهها و سازمانهای سیاسی موجود پشتیبانی میکند؟ آیا دولت هجوم خودسرانه شبانه به خانه مردم مبارز و دستگیری و آزار جوانان آزاده را تأیید میکند؟ آیادولت محاکمه و اعدام خودسرانه محمود رئیسی را که به غیر انسانی ترین و کینه توزانه ترین شکل ممکن وجدان از کلیه موازین حقوقی انجام گرفت تأیید میکند؟ آیا واقعا این حرکات مشکوک مورد تأیید دولت شما است؟ به راستی مسئله برای هیچ کس روشن نیست. موضع شما چیست؟ این احکام و اعمال را تأیید میکنید یا نه؟ شامدولت هستند مردم هم میخواهند موضع دولت را بدانند. آیا شما این اعمال را محکوم میکنید؟ آیادولت شما خود را مسئول میشناسد که مسببان این اعمال را شناسائی و مجازات کند یا خیر؟ اگر دولت نخواهد در این زمینه اقدام کند، آنگاه شما هر گروه و سازمانی را مجبور کرده اید که خود مستقلا تصمیم بگیرد و آنرا به اجرا بگذارد. شما باید

بهر از هر کس دیگر متوجه وخامت نتایج این وضع باشید. آقای بازرگان!

آیادولت شما خود را موظف میدانید حقوق دموکراتیک مردم را تضمین کنید یا خیر؟ آیا شما حاضرید استقلال کامل دانشگاهها، مطبوعات و رادیو تلویزیون را در تعیین خط مشی ها و اداره امور خویش به رسمیت بشناسید یا خیر؟

آیا شما زیر فشار گذاشتن مطبوعات و رادیو تلویزیون را بهر شکل که باشد محکوم میکنید؟ آیا شما توهین به مطبوعات را توهین به آزادی و توهین به حیثیت انسانی تلقی میکنید؟ آیا شما حاضرید سانسور چپان را در هر لباس و در هر مقام که باشند از رادیو تلویزیون و بطور کلی دستگاه دولتی بیرون بریزید؟ اگر حاضرید، پس چرا واقعا اقدام نمیکند؟

آقای بازرگان!

ما از شما می پرسیم اگر شما دولت هستید پس چرا از اعدام نصیری و سه مزدور دیگر از طریق روزنامه ها مطلع میشوید؟ آیا شما مسئول نیستید این محاکمات را در دادگاههای علنی خلقی و با نظارت وسیع توده های مردم به پایان برسانید؟ همه مردم می پرسند چرا محاکمات را علنی نمیکنند؟ از چه میترسند که مردم را از ابتدائی ترین حقوق خویش که شرکت و نظارت در محاکمه این خوکهای محمد رضاشاهی است محروم ساخته اند؟ آیا شما خود را در این زمینه مسئول میدانید؟ اگر دولت مسئول نیست؟ پس چه کسی مسئول است، چه کسی پاسخگوست؟

آقای بازرگان!

ما فکر میکنیم بدون بازسازی واقعا دموکراتیک دستگاههای دولتی ارتش و موسسات تولیدی بزرگ و مشارکت و نظارت مردم از طریق شوراها در این امر، بدون طرد کامل همه مزدوران رژیم سابق از همه شئون اجتماعی، بدون دفاع قاطعانه از حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تضمین آنها و مجازات متجاوزین به این حقوق و بدون تثبیت و تقویت امکان اداره و کنترل دموکراتیک امور توسط دولت، هرگز زمینه برای رسیدن به ایرانی آزاد و دموکراتیک که شما میخواهید از طریق فراندنم به آن برسید فراهم نخواهد شد. بی دلیل نبوده است که در ابتدا یک رشته اقدامات عاجل را برای تغییر کامل اوضاع و شرایط، ایجاد و تثبیت فضای دموکراتیک ضروری دانسته و تنها پس از انجام آن، انجام فراندنم را صلاح دانسته ایم. فراندنم پیشنهادی شما واقعا تنها وقتی میتواند بازگو کننده خواست واقعی مردم باشد که همه گروهها و سازمانهای سیاسی فارغ از هر نوع ترس و رعب و فراع از خطر حمله مهاجمان و مخالفان بتوانند آزادانه در حیات سیاسی جامعه شرکت کنند. ثانيا، طرح سؤال همه پرسى باید یک طرح دموکراتیک باشد، یعنی واقعه مردم حق انتخاب دهد. یعنی اینگونه نباشد که هر کس بخواهد به جمهوری اسلامی رای ندهد، معنایش این باشد که دارد به رژیم منحوس شاهنشاهی رای مثبت میدهد. غیر دموکراتیکترین شیوه طرح سؤال آنست که بپرسیم، آیا شما با جمهوری اسلامی موافقید یا با رژیم شاهنشاهی؟ که مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی معنایش موافقت با رژیم می شود که همه ۳۷ میلیون مردم ایران متحدآ آنرا به گور سپرده اند. آیا این بدان معنی نیست که شما فقط برای کسانی که با جمهوری اسلامی موافقت حق شرکت در فراندنم - قائل شده اید؟ اگر واقعا چنین است پس چرا دیگر فراندنم میکنید؟ چرا فراندنم را به گونه ای انجام نمیدهید که هر کس بتواند به نوع حکومت مورد قبول خود و بنام حکومت مورد خواست خود رای دهد؟ مگر می ترسید جمهوری اسلامی شکست بخورد؟ بگذارید ما از قبل بشما بگوئیم که ما اصلا چنین فکر نمیکنیم و بگذارید باز هم صادقانه بشما بگوئیم که نتایج یک فراندنم غیر دموکراتیک قطعا متزلزل تراز یک فراندنم دموکراتیک خواهد بود.

آقای بازرگان!

فدائیان خلق که در طول حیات سازمان، همه هستی شان را در راه زحمتکشان و محرومان ایران نهاده اند فدائیان خلق که خون پاکترین فرزندان خلق را نثار راه رهایی مردم محروم ایران از چنگ غارتگران و ستمگران و دزدان داخلی و خارجی ساخته اند، هرگز بمثابه یک ناظر بی طرف عمل نخواهند کرد. ایمان داشته باشید همه ما به آرمان صدها رفیق فدائی که سالهای سیاه دیکتاتوری رازی شلاق دزخیمان، سحرگاهان پای چوبه تیرباران یا در خونین ترین جنگها با مزدوران ساواک، فخر شهادت را بر پشت کردن به خلق ارج نهاده اند، که مرگ را با "درود بر خلقهای قهرمان ایران"، با سرود "مرگ بر مزدوران" درود گفته اند، با همه هستی خویش وفادار خواهیم ماند. فدائی هرگز جانب زحمتکشان و محرومان خلق را نخواهد کرد. اوتما بی ذرات وجودش را، همه هستی خویش را در این بقیه در صفحه ۷

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

کارخانه باید بدست کارگران اداره شود

درگردهمایی هواداران سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران و کارگران شرکت صنایع پوست و چرم لرستان که در تاریخ ۵۷/۱۲/۷ در محل کارخانه برگزار شد مسائل و مشکلات کارگران این کارخانه بررسی شد. در پایان جلسه، کارگران به رای گیری جهت انتخاب هیئت پنج نفره شورای کارگری کارخانه پرداختند.

از جمله خواستههایی که در قطعنامه آمده است:

- ۱- بازگرداندن فوری وبدون قیدو شرط کارگران و کارمندانیکه به جرم آزاد اندیشی از کارخانه اخراج شده اند و پرداخت تمامی حقوق و مزایای آنها در مدت اخراج.
- ۲- پاکسازی محیط کارخانه از عناصر ضد مردمی و ارتجاعی ...
- ۳- اخراج کلیه خارجیان و استفاده از کارشناسان و متخصصین ایرانی.
- ۴- لغو قراردادهای استعماری که طی سالهای گذشته، بر اعمال نفوذ طبقه حاکمه پیشین و سرسپردگانش برخلاف منافع و مصالح ملی بسته شده است.
- ۵- تاسیس شورایی کارگران و کارمندان ...
- ۶- ماخواستار آنیم که کارخانه بدست خود کارگران بچرخد و میخواهیم در قدرت حکومت کنونی و همچنین خدمت به مردم سهیم باشیم.
- در این قطعنامه به خواستههای رفاهی مانند تهیه مسکن، فروشگاه تعاونی، و خدمات بهداشتی اشاره شده است.
- سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران حمایت بی دریغ و قاطعانه خود را از خواستههای عادلانه کارگران اعلام میدارد.

آزادی زمان جکد از آزادی جامعیت

آزادی چیزی نیست که در انحصار بخشی از انسانها باشد. آزادی اختصاصی نیست. آزادی هدفی انسانی است. که به جنسیت ارتباطی ندارد، مختص به زن یا مرد نیست. انسانها در طول تاریخ از زن و مرد، پیرو جوان برای بدست آوردن آزادی پیگیرانه مبارزه کرده اند.

زنجیر اسارت و استثمار زنجیری است که در طول تاریخ، طبقات حاکم برگردن طبقات محروم و ستم کش انداخته اند و آزادی محرومان کرده اند.

پاره کردن این زنجیر بجز بانبروی عظیم توده های مبارز، زن و مرد پایبای هم میسر نیست. بی گمان پاره شدن آخرین حلقه های زنجیر استثمار و ستم روزی امکان پذیر خواهد بود که استثمار انسان از انسان برای همیشه نابود شود و آزادی واقعی برای زن و مرد یکجا بدست آید. روزی که انسانها به آزادی واقعی دست یابند نیروی عظیم زنان که در اثر ستم تاریخی منزلت اجتماعی خود را از دست داده، دوباره به شایستگی و منزلت حقیقی خود دست خواهند یافت.

در طول مبارزات تاریخ کشور مانیز هر جاکه صحبت از آزادی است و هر جاکه علیه ظلم و ستم قیام شده است زنان زحمتکش و زنان مبارز و انقلابی دوشادوش مردان به مبارزه برخاسته اند.

در جنبش مشروطیت زنان مبارزی رامی بینیم که پایبای مردان در مقابل ارتجاع جنگیده اند. در مبارزات ملی شدن نفت، زنان در کنار مردان علیه امپریالیزم انگلیس مبارزه کرده اند. در سالهای سیاه دیکتاتوری زنان مبارز پیشاپیش خلق در مبارزات قهرآمیز شرکت داشتند.

دستاوردهای جنبش خونین اخیر نیز بدون شرکت وسیع و فعال زنان زحمتکش کشور ما امکان پذیر نبود. اما با اینهمه چرا منزلت اجتماعی این نیروی عظیم در حکومتهای ارتجاعی انکار شده است؟ چرا زنان علاوه بر استثمار، ستم فرهنگی رانیز همیشه بردوش کشیده اند و زنان زحمتکش از همان حداقل حقوق مردان نیز برخوردار نبوده اند؟ میگوئیم زنان زحمتکش، زیر زنان در جامعه همه به یکسان تحت ستم اجتماعی - اقتصادی نیستند. زنان طبقه حاکم همانند مردان طبقه خود دیگر طبقات را استثمار میکنند و با اینکه خود از ستم فرهنگی در امان نیستند، در عین حال مروج پروپاقرص فرهنگ منحط طبقه حاکم نیز هستند. این، زنان زحمتکش هستند که علاوه بر برنج استثمار از ستم فرهنگی هم در رنجند.

علل این ستم دوگانه را باید در ریشه های تاریخی جستجو کرد. از دورانی که مالکیت خصوصی بروسائل تولید پیدا شد، از دورانی که یک طبقه بر طبقه دیگر حاکم شد، نقش زنان در تولید کاشش یافت و به علل اقتصادی، اجتماعی نتوانستند بطور فعال در تولید شرکت کنند. همین امر باعث شد که در طول زمان مقام و منزلت اجتماعی زن بطور روز افزونی

کاهش یابد.

این تنزل مقام در طول تاریخ هر چه بیشتر گسترش یافت و فرهنگی را بدنبال آورد که باعث شد حقوق زن و آزادی فردی زن تا حدود زیادی نفی شود. تا زمانیکه سرمایه داری، دوباره نیاز پیدا کرد از نیروی زن در تولید استفاده کند ولی برای بهره کشی بیشتر زنان زحمتکش را با دستمزد کم و بدون حداقل حقوق بکار گرفت. سرمایه داری با سوء استفاده از شرایط فرهنگی گذشته اجتماع، توانست با پائین نگاه داشتن دستمزد زنان، دستمزد کل کارگران را تنزل دهد.

در کشور ما که کشوری زیر سلطه امپریالیزم است، این طریق استثمار و دوچندان شد. زنان زحمتکش در کنار مردان به شدیدترین وجهی استثمار می شدند و از هیچگونه حقوق انسانی برخوردار نبودند. در سالهای سیاه دیکتاتوری هر چند به شکل عوام فریبانه صحبت از آزادی و تساوی حقوق زنان میشد، ولی زنان تحت ستم فرهنگی عملاً از زندگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی برکنار بودند. زنان زحمتکش حتی حقوقی برابر با مردان زحمتکش نداشتند. با مزد کم بکار گرفته میشدند. برای زایمان مرخصی به اندازه کافی نداشتند و حتی برای شیر دادن به نوزادان خود نیز از ساعات فراغت برخوردار نبودند. شرکت دوباره زنان در تولید و برخی مسائل اجتماعی هر چند تا اندازه ای استقلال زنان را تضمین میکند، ولی با اینهمه به معنای دست یافتن به آزادی نیست. آزادی زن فقط با آزادی طبقاتی امکان پذیر است و شرکت زنان در مبارزات همیشه جنبه طبقاتی داشته، بدون شرکت فعال زنان زحمتکش هیچ انقلابی نمیتواند پیروز شود. امروز نیز مبارزات ضد امپریالیستی خلق مادر صورتی به پیروزی نهایی خواهد رسید که نیروی عظیم زنان که بخش مهمی از نیروهای خلقی است در این مبارزات فعال شرکت داشته باشد. از اینرو آزادی زنان در کشور ما نیز در گرو آزادی جامعه و در گرو آزادی از سلطه امپریالیزم است. جدا کردن زنان از مردان و یابیشگیری از فعالیت اجتماعی آنها ضربه مهلکی است به مبارزات ضد امپریالیستی خلق ما، تقسیم کردن جامعه به دو بخش زن و مرد و عمده کردن مبارزه فرهنگی و یازنان را در مقابل مردان قرار دادن راهی انحرافی است، هر چند که مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده زنان خلق ماضوری باشد، از طرفی ایجاد نفاق مصنوعی نیز بین زنان و یابین زنان و مردان توطئه و راهی است که ارتجاع و امپریالیزم برای پراکنده کردن نیروی مبارزاتی خلق بکار میگیرد آنچه خط مرزی بین زنان و مردان را مشخص میکند وضع طبقاتی آنها، انقلابی بودن یا ضد انقلابی بودن آنهاست و نه

اتهام تجزیه طلبی بهانه ای برای ...

س - اگر حکومت یا رژیم که روی کار می آید حاضر به قبول درخواستهای شما نشود عکس العمل شما و خلق کرد چه خواهد بود؟

ج - به عقیده من اگر آن حکومت به این خواستهها توجه نکند یک حکومت ارتجاعی خواهد بود و در این صورت نه فقط خلق کرد بلکه تمام ملت ایران با آن به مبارزه برخواید خواست و خلق کرد نیز در این مبارزه شرکت میکند.

گروههای غیر مذهبی در مبارزات اخیر سهم بسیار بزرگی داشته اند.

س - آیا به مردم میگوئید سلاحهایشان را تحویل دهند؟

ج - من یک دمکرات هستم نه یک رهبر دیکتاتور، و هیچگاه به تنهایی به خود اجازه نمیدهم به مردم بگویم سلاحهایشان را پس بدهند، و پس از مشورت با گروههای مترقی سیاسی و خود مردم است که در صورت لزوم این کار را میکنند.

اگر حکومت خواستههای ما را نپذیرد ارتجاعی است و ما به مبارزه با آن برخوایم خاست.

س - نظرتان راجع به مالکیت چیست؟

ج - عقیده خودم را بگویم؟

س - بله.

ج - به عقیده من رابطه انسان با موآب طبیعی رابطه نیاز و احتیاج است و این احتیاج است که استعداد فکری و عملی انسان را واداشته که به تلاش بپردازد پس موقتی رابطه انسان را با طبیعت رابطه نیاز دانستیم و کار و فکر انسان را اساس این رفع نیاز بدانیم مساله معلوم خواهد بود. به عقیده من باید وسائل تولید به وجه معقولی در اختیار جامعه باشد یعنی جامعه مسلط بر فرد باشد. نه فرد مسلط بر جامعه و فرد در درون جامعه باید زندگی کند ولی مالکیت خصوصی را در غیر وسائل تولید به اندازه ای که رفع نیاز بکند انکار نخواهم کرد، یعنی مالکیت شخصی به حدی که در دسترس شخص است و به آن احتیاج دارد. ولی فضیلت اخلاقی، تقوی، وجدان پاک و خداشناسی را در حد ذات خودش مورد احترام میدانم.

پیام

خلاصه ای از پیام سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران بمناسبت ۱۷ اسفند، روز جهانی زن.

در این پیام ضمن تاکید بر مبارزات بحق زنان ایران بر علیه امپریالیزم و ارتجاع و محکوم کردن شیوه های رژیم ارتجاعی سابق در پایمال کردن حقوق زنان چنین آمده است:

"تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی میهن ما نشان دهنده جانباختن و از خود گذشتگیهای زنان بسیاری است که در تمام ادوار پرچم مبارزه میهن را بردوش کشیده اند بدون تضمین آزادی زنان در تمام شئون و برابری کامل آنان با مردان، شرکت فعالان در انقلاب و ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک امکان پذیر نخواهد بود.

ما ضمن گرامیداشت روز ۱۷ اسفند اعلام میداریم که موارد زیر باید انجام پذیرد:

- ۱- لغو کلیه قوانین ارتجاعی که در طول سالها منجر به اسارت زنان میهنمان گردیده است.
- ۲- تامین برابری کامل زنان و مردان در کلیه امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.
- ۳- تامین امکانات رفاهی برای زنان کارگر و زحمتکش و تقلیل ساعات کار آنها به ۴۰ ساعت در هفته.
- ۴- تامین حقوق دمکراتیک زنان و جلوگیری از هرگونه بی حرمتی به آزادیهای فردی و اجتماعی آنان.

توضیح

با پوشش در مورد اشتباهات چاپی این نشریه، سعی نمودیم تا آنجا که ممکن است، در چاپ دوم نواقص آنرا برطرف کنیم.

یک سدر سوکننده و یک ران نقش تیمار قره‌نی در کودتای ۲۸ مرداد

صورت گرفت ، فراموش کرده اند عوامل آن را زیاد برده اند؟
آیا کسانی که خود قربانی این توطئه ها بوده اند اکنون مسئولیت های بزرگی
در رهبری جنبش و دولت موقت دارند این حقایق رانمی دانند؟ آیا خلق ما
باور خواهد داشت که سپردن حساس ترین امور انقلاب به دشمنان مردم
" ناآگاهانه " صورت می گیرد؟ ما این سدر را برای کسانی که از این حقایق آگاه
هستند و " ناآگاهانه " تن به همکاری با دشمنان انقلاب و مزدوران بیگانه
داده اند منتشر نمی کنیم .
بگذار یکبار دیگر خلق ایران بدانند که رئیس ستاد ارتش اسلامی اش کیست و
چه سوابق درخشانی دارد .
متن این سند که در شماره ۲۸ مرداد ۱۳۳۴ مجله آسیای جوان به چاپ
رسیده ، چنین است :



قهرمان رشت
تیمار سرتیپ قره‌نی ریاست رکن دوم ستاد ارتش در روزهای پرغوغا و
عروج و مرج ۲۵ تا ۲۸ مرداد در شهرستان
رشت آنچنان با نیروی اهریمنان باور
کرد که از حرت وطن پرستان بفرمان
بکار شد اجنبی لقب یافت . تیمار سرتیپ
قره‌نی به از قیام ملی ۲۸ مرداد در رأس
رکن دوم ستاد ارتش ایران قرار گرفت
و نهالیت و کار برتر ایشان پیوسته مورد
توجه و توجه و وطن پرستان بخصوص شادان شرف
ز وونی ایران رسد عزت پراخته آن میباشد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از افشای چهره ضداقلابی
سرلشکر قرنی رئیس ستاد ارتش اسلامی که در شماره نخست نشریه کار به چاپ
رسید ، سند دیگری از خیانت او را به آگاهی خلق ایران می‌رساند . این سند
نشان دهنده نقش توطئه‌گرانه سرلشکر قرنی در کودتای ۲۸ مرداد و وقایع بعد
از آن است . اکنون این سوال مطرح است که آیا مردم مبارز ، سرکوب ها و
شکجه ها و کشتارهای خونینی را که در جریان کودتای ۲۸ مرداد پس از آن

آقای بازرگان چه کسی باید...
راه نهاده است . اودر پیکار خویش تنها و تنها به نیروی
زحمتکش خلق ایران متکی خواهد بود . از این روزها
وظیفه خود میدانند دولت شما صراحتاً خواهد ، نظر خود را
نسبت به این خواستهای مردم اعلام نمایند .
۱- آیا دولت حاضر است مسببان و محرکان اصلی حمله
به زنان ، حمله به کارگران و حمله به اجتماعات و مراکز سازمانهای
سیاسی و این قبیل اعمال توطئه‌گرانه را دستگیر و مجازات کند؟
یا خیر؟
۲- دولت برای جلوگیری از تکرار این اعمال ضد مردمی
و تضمین آزادیهای فردی و اجتماعی چه اقداماتی بعمل خواهد
آورد؟
با احترام سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران

افراد کمیته اسلامی در کمن قلا «بندشاه سابق»
۱۶ مبارز راکشته و مجروح کردند .
دربی راهپیمائی عظیم ۳۰۰۰۰ نفری ترکمن ها جهت طرح
خواستهای به حق خود در روز ۱۹ اسفند بر خوردی بین ترکمنها و
افراد کمیته اسلامی رخ داد . در این درگیری سه نفر کشته و ۱۳ نفر مجروح
شدند . حال سه نفر از زخمیها نیز وخیم است . بدنبال این حادثه
از سوی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن دعوتی برای یک
راهپیمائی در روز ۲۰/۱۲/۵۷ در کنگد کاووس (سابق) بعمل آمد .
در این راهپیمائی عظیم ۶۰۰۰۰ نفر شرکت کردند . برخورد ضد
انقلابی افراد مسلح کمیته اسلامی با مردم بی دفاع در ترکمن قلا
را بدست محکوم کردند و خواستار شناسائی و محاکمه عاملان
جنایت شدند . همچنین در تمام ادارات و مراکز آموزشی و
بازار گنبد تعطیل عمومی بمدت یک هفته اعلام شد . در جریان
راهپیمائی مسالمت آمیز ، یک هواپیمای فانتوم به پرواز در
آمد که موجب وحشت گروهی از مردم شد . نیروهای مترقی غیر
ترکمن گنبد ، "ترکمن قلا" و "آق قلا" پشتیبانی کامل خود را
از خواستهای بحق خلق ترکمن اعلام داشتند . همچنین
نظامیان انقلابی ترکمن خواستار ایجاد ارتش خلقی شدند
و اعلام داشتند که فقط حاضرند در ترکمن صحرا خدمت کنند .
تحصن و اعتراض در "آق قلا" (پهلوی دژ سابق)
و گوموش دغه (کمیته سابق) :
هزاران نفر از ترکمنهای "آق قلا" برای اعتراض به
برخورد ضد انقلابی ترکمن قلا دست به تحصن زدند و
خواهان رسیدگی فوری به وقایع ترکمن قلا شدند . خلق
ترکمن گوموش دغه نیز حمله افراد مسلح کمیته اسلامی
ترکمن قلابه ترکمنهای بی دفاع را قاطعانه محکوم کرد .
ضمن آنکه قلا و گوموش دغه سلاحهای موجود به نفع خلق
زحمتکش ترکمن مصادره شد .

نماینده اعزامی «دولت انقلابی» به کردستان در رژیم گذشته معاون وزیر بود

از سوی نخست وزیر دولت موقت
اسلامی به دکتر اسماعیل اردلان
ماوریت داده شد که به عنوان نماینده
فوق العاده دولت به استانهای کردستان
گرماتشاه و آذربایجان غربی مسافرت
کند و مسائل منطقه را مورد بررسی
قرار دهد .
نظر ما ، این است که برای
بررسی اوضاع حساس این مناطق حتماً
باید نماینده فوق العاده از اعتبار خاص
و سابقه درخشان مبارزاتی برخوردار
باشد . آدمی باشد که مورد احترام و
قبول خلقهای این منطقه باشد و حداقل
در میان مردم دارای حیثیت و گذشته
پاکی باشد . اما متأسفانه نماینده فوق
العاده دولت انقلابی در رژیم ضد
خلقی شاه تا درجه معاونت وزیر نیز
ترفع پیدا کرده و مجری او امر شاهانه
نیز بوده است .
حال برای روشن شدن موضوع ،
قسمتی از شرح حال جناب آقای دکتر
اسماعیل اردلان ، معاون سابق وزارت
کشاورزی را که از استاد محرمانه
استخراج شده به اطلاع خلق ایران

مصاحبه با یک زن کارگر

گفتگوی کوتاهی که در زیر می آید بایکی از زنهای کارگر کارخانه
ری . او . واک انجام شده است .
س - روزی چند ساعت کار میکنید و چقدر حقوق میگیرید؟
ج - در حدود ۹ ساعت در روز کار میکنم (۵/۶ صبح تا ۳/۵ بعد
از ظهر) که بازمان رفت و آمد به محل کار ۱-۱۲ ساعت میشود . هر ۱۵ روز
یک پنجمشبه تعطیلی داریم . حقوق ما در ماه ۲۴۰۰ تومان است که ۲۳۰۰
تومان بابت مالیات و ۱۰۰ تومان حق بیمه از آن کم میشود .
س - در اینجا چند نفر کارگر و کارمند مشغول بکار هستند؟
ج - در حدود ۵۰۰ کارگر و کارمند در اینجا کار میکنند که ۱۰۰
نفر آنها زن هستند .
س - آیا سندی دارید؟
ج - بلی . سندی که یک ماه پیش بوجود آمد ولی هنوز
کارهای اساسی نکرده و نقشی پیدا نکرده است .
س - آیا در کارخانه برابری بین زن و مرد وجود دارد؟
ج - خیر . حقوق زنهای بیشتر از مردها پائین است ، حتی موقع
استخدام حقوق کارگر ساده زن کمتر است .
البته ما هم به کمبودها و ظلمیکه به ما زنهای مشغول اعتراض
داریم و هم به ستمیکه به ما مردها میشود .
س - آیا با تظاهرات خانمها علیه حجاب موافق هستید؟
ج - خیر ، من نه با عنوان کردن مسئله حجاب موافق بودم
و نه با تظاهرات علیه آن . من فکر میکنم ما مسائل خیلی مهمتری
داریم که باید فکر حل آنها باشیم . من خود با چادر و حجاب
مخالقم چون کارم طوری هست که نمیتوانم با حجاب باشم . به
نظرم نجابت و پاکی زن هیچ ربطی به حجاب و چادر ندارد .
س - نظر شما در مورد آزادی و برابری زنهای مردها چیست؟
ج - وقتی من مثل مرد کار میکنم چرا نباید حق مساوی با او
داشته باشم . در رژیم گذشته زن را بصورت بازیچه مرد در آوردند
ولی ما دیگر نمی گذاریم اینکار تکرار شود . باید زنهای بدوش
برادرانشان

نامه سرگشاده کشاورزان

کشاورزان زاکلا حومه لاهیجان در نامه سرگشاده به رئیس دولت
محروریتهای خود را توضیح دادند و نوطی انتقاداتی از دولت چنین
اظهار میدارند : "اکنون انقلاب کرده ایم و باید زندگی ما با گذشته
تفاوت داشته باشد . باید زندگی ما تغییر کند ، ما پس از این دیگر
نیایند محرومیتها و بدبختی های دوران قبل از انقلاب را داشته
باشیم . ما با اتکاء به دستاوردهای انقلاب دیگر اجازه نخواهیم داد
هیچ نیرو و قدرت ستمگری از ما بهره کشی کند و به جای ما برای ما
تصمیم بگیرد " . آنها تاکید کردند که : "یکی از خواستهای بحق
ما که در گذشته مطرح کرده ایم لفقلیه دیون به بانک کشاورزی
و تعاون روستائی و سایر بانکها میباشد . امیدواریم هرچه سریعتر
این خواست اساسی و حیاتی ما کشاورزان برآورده شود " .

اول ماه ما را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از تمام سدیکاها و نمایندگان
کارگران ، سازمانهای انقلابی کارگری و سازمانهای دمکراتیک و ملی دعوت
می کند تا برای برگزاری مراسم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز کارگر با
کمیته برگزاری "اول ماه مه" مستقر در سازمان چریکها واقع در خیابان بلوار
خیابان فدائی (میکدهی سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق از ساعت
۲ تا ۴ بعد از ظهر ، تماس بگیرند .

خواست ما دهقانان
ما کشاورزان قریه فومن با توجه به اظهارات دکتر یزدی وزیر
کشاورزی ایران که گفته اند : "خواستهای خود را اعلام دارید ،
مورد زیر را جهت اطلاع دولت مهندس بازرگان اعلام
میداریم و خواهان آنیم که این خواستها با توجه به فرارسیدن
فصل کشاورزی هرچه سریعتر عملی گردد . در غیر این صورت
زندگی ما فلج و تیره و تار خواهد شد : خلاصه خواستها :
۱- پرداخت وام بدون بهره به کشاورزان
۲- لغو کلیه بدهکاریهای کشاورزان به بانکها .
۳- لغو اقسامانده قروض باز خرید زمین و دادن سند .
۴- دادن کود شیمیائی بموقع به کشاورزان .

ما از اقدامات...
اما وقتی پشتیبانی فدائیان از دولت بازرگان بصورت تیرتیر و زانما
در می آید این امکان وجود دارد که برخی تصور کنند موضع مادر برابر
جنبه های محافظه کارانه دولت تغییر کرده است . از اینرو از مطبوعات
خواستاریم که با چاپ نامه سرگشاده ما به دولت بازرگان امکان هرگونه
توهم را از میان ببرند .

اعتصاب موفقیت آمیز کارگران چاپخانه
کارگران چاپخانه فاروس که از ۱۳ اسفند برای تحقق خواستهای خود دست به
اعتصاب زده بودند ، پس از برآورده شدن خواستهایشان با اعتصاب خود پایان دادند .

تمام بانکها باید ملی شود

به اتهام توطئه و خیانت

سرهنگ توکلی باید دستگیر شود

ماجرای "توطئه" سرهنگ توکلی زنگ خطری بود که از جانب ضد انقلاب علیه نیروهای مبارز و انقلابی به صدا درآمد. سکوت مسئولان و مقامات دولت موقت، در رابطه با این توطئه، که با دلایل و شواهد گوناگون و ابیعدی وسیع مطرح شده، بحث انگیز و نگران کننده است. این سکوت به مثابه "چتر حمایتی" است که به حمایت از این "سرهنگ شناخته شده" گسترده اند. توطئه سرهنگ توکلی برای همه آنها که در سالهای اخیر در زندان رژیم شاه با او "هم بند" بوده اند، نه تنها شگفت انگیز نیست، بلکه بسیار عادی و طبیعی است. پرونده سرهنگ توکلی، سیاه تر از آن است که نیاز به مدارک "رالف شانمن" داشته باشد. وی که در حساس ترین روزهای انقلاب مسئولیت پست مهم ریاست ستاد کمیته امام را بعهده داشت، اکنون در معرض آنچنان اتهاماتی است که خلق مبارز ایران نمی تواند به سادگی از کنار آن بگذرد.

اتهامات وارده که مبتنی بر دلیل و مدرک و سو سابقه است در حد عمل جنایت آمیز و خیانت به انقلاب قابل بررسی است، و در این میان کسانی که "آگاهانه" با او هم دست بوده اند به عنوان "شریک جرم" قابل تعقیب هستند. توکلی در برابر این همه اتهام، تنها به نوشتن یک نامه مبهم و تردید آمیز به نخست وزیر دولت موقت بسنده کرده است. آن هم در شرایطی که مدعی (شانمن) مرتباً "مدارک تازه تری" مطرح می کند و او را به مناظره تلویزیونی دعوت می نماید.

سرهنگ توکلی در نامه خود به مهدی بازرگان می نویسد: "من برای تقدیم گزارش به ساختمان ۱۶۹ که محل مخفی شورای انقلاب بود به حضور جناب عالی آمدم و جناب عالی به من چنین ابلاغ فرمودید: آقای سرهنگ، شما از طرف شورای انقلاب به عنوان مسئول حفاظت انقلاب تعیین شده اید. من نیز مسئولیت خطیر حفاظت از انقلاب را بعهده گرفتم و در جهت اجرای این مأموریت تماسها و ملاقاتهای محرمانه ای با نظامیان شاغل و بازنشسته گرفتم" (از متن نامه سرهنگ توکلی روزنامه کیهان ۱۵/۱۲/۵۷)

اکنون این سؤال مطرح است که آیا مدارک و شواهد موجود از سو سابقه و همکاری سرهنگ توکلی با پلیس در زندان، و اظهارات مستقیم او در زمینه انجام توطئه علیه مردم و انقلاب، کافی برای دستگیری او نیست؟ این حق طبیعی مردم است که بخواهند متهم این "ماجرای رسوا" و "شرکای جرم" او دستگیر شوند تا بدین وسیله سو تفاهم ناشی از حمایت دولت از این مزدوران برطرف گردد. ما تا کید می کنیم که مسأله سرکوب ضد انقلاب با دستگیری توکلی و همدستانش به پایان نمی رسد زیرا شواهد نشان می دهد "سازمان توکلی" و توکلی ها هنوز به فعالیت خود ادامه می دهند.

قسمتی از اتهامات سرهنگ توکلی به زبان خودش:

- ۱- توطئه علیه دستاوردهای خونین انقلاب.
- ۲- سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی.
- ۳- تأمین منافع غرب و ویژه آمریکا و انگلیس.
- ۴- تجدید سازمان ارتش و کنترل آن بوسیله آمریکا.
- ۵- ارتباط با عوامل بیگانه و افشای اسرار انقلابی.
- ۶- همکاری با پلیس سیاسی و ایجاد سیستم جاسوسی در زندان قصر.
- ۷- اعلام وفاداری به شاه سابق، نوشتن توبه نامه و شرکت در جشنها و تشریفات ضد خلقی رژیم شاه.

عناصر مرتجع در جریان حمله به ستاد فدائیان در تبریز گفتند: نه دولت را قبول داریم نه کمیته امام را

عناصر مرتجع گفتند: ما نه دولت را قبول داریم، نه کمیته امام را! عناصر مرتجع و ضد انقلابی، این قربانیان دسیسه های امپریالیسم و ارتجاع که در روزهای گذشته با حمله به زنان بی دفاع و حمله به دفاتر و مراکز سازمانهای سیاسی ماهیت خود را به مردم نشان دادند، یکبار دیگر در تبریز آنها با حمله به ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و تیراندازی به رفقای فدائی که به زخمی شدن رفیق بابک، نگهبان ستاد انجامید و با محاصره رفقا، اثبات کردند که هدفی جز برخورد مسلحانه و ایجاد زمینه جنگ داخلی و احیای سلطه امپریالیسم در سر ندارند. رفقای ما با تسلط کامل بر اعصاب و خوبش و حفظ متانت انقلابی خود، بار دیگر دسیسه های عناصر ضد انقلابی را خنثی کردند. سه تن از رفقا برای جلوگیری از برخورد به کمیته امام در یادگان شاهپور مراجعه کردند اما هیچ نتیجه ای نگرفتند. رفقا از استانداری و روحانیون میخواستند که بوظیفه خود عمل کنند و از ادامه اعمال این عناصر جلوگیری نمایند. اما عناصر ضد انقلابی توصیه های نماینده استانداری و نماینده روحانیت را که از آنها خواستند از محاصره ستاد دست بردارند، نپذیرفتند و اعلام کردند که ما نه دولت را قبول داریم نه کمیته های امام را. بر مسئولان و رهبران است که با این عناصر ضد انقلابی برخوردی جدی و توأم با مسئولیت داشته باشند. وگرنه آنها که نه دولت، نه کمیته ها و نه مردم را قبول دارند گستاختر خواهند شد و در این صورت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چاره ای جز دفاع از محل کار ستادهای سازمان را نخواهد داشت.



گوشه ای از راهپیمایی خلق که در مناسبت بزرگداشت ۱۹ بهمن سالروز رستاخیز سپاهک

شماره مرکز سندیکائی فرانسه

کمتر کار کنیم، همه کار کنیم، بهتر زندگی کنیم.

در سندیکای فرانسه شمار کاهش ساعات کار از ۴ ساعت به ۳ ساعت مطرح شده است. سندیکای فرانسه تصمیم گرفته است در جهت رسیدن به این هدف در اولین قدم "هفته مبارزه ملی" برگزار کند. تمام سندیکاهای فرانسه در صورتی که با این برنامه موافق باشند برای چگونگی و زمان برگزاری "هفته مبارزه ملی" وارد مذاکره خواهند شد.

صنایع دوب فلز فرانسه

صبح روز چهارشنبه ۷ اسفند کارگران عضو سندیکای عمومی کارگران فرانسه علیه اخراج گروهی از کارگران صنایع دوب فلز دست به اعتراض زدند. بیش از ۳۰ تن از کارگران صنایع دوب فلز از صبح چهارشنبه، اتاق بازرگانی و صنایع شهر را بعنوان اعتراض، اشغال کردند.

از طرفی بیش از یک هزار کارگر در مقابل کانون کارفرمایان اجتماع کردند. عده ای به داخل ساختمان وارد شدند و دست به تخریب زدند. تظاهرات کنندگان دیگر نیز در خیابان آتش روشن کردند.

سه شنبه ۱۵ اسفند نزدیک به دوهزار کارگر صنایع فلز فرانسه شاهراه پاریس - بروکسل را مسدود کردند. این تظاهرات با مداخله پلیس پس از چند ساعت خاتمه یافت.

برای ارتباط با توده کسبازان پرسنل ارتش به یادگانها میروند.

پرسنل انقلابی نیروهای مسلح روز پنجشنبه ۱۷ اسفند در دانشگاه صنعتی اجتماع کردند. در این اجتماع قرار پرسنل از یادگانها، شرکت در قیام مسلحانه مردم، طرح خواسته های پرسنل درگردهمایی ها و راهپیمایی ها و مسائل موجود ارتش مطرح شد. از جمله گفته شد با در نظر گرفتن شرایط فعلی و امکان فعالیتهای سیاسی در واحدهای نظامی و ضرورت تماس با توده وسیع کسبازان و سایر پرسنل نظامی باید به یادگانها رفت. همچنین تصمیم گرفته شد با انتشار یک نشریه تماس خود را با مردم و همه پرسنل نظامی حفظ کنند. در ضمن هر چهارشنبه در دانشگاه ادبیات اجتماع کرده تاپس از تشریح فعالیتهای تصمیمهای جدید گرفته شود. سپس وقایعی که در یادگانها اتفاق افتاده بود بازگو شد و انتصاب فرماندهان بد سابقه و برخورد های ضد انقلابی با عناصر مبارز انقلابی نظامی که به یادگانها برگشته اند محکوم گردید. در زمینه انحلال ارتش خواسته های پرسنل بشرح زیر توضیح داده شد:

- ۱- طرد و محاکمه عناصر مزدور ارتش و انحلال ضداطلاعات.
- ۲- معادل کردن تعداد پرسنل ارتش و لغو خدمت اجباری و داوطلبی کردن خدمت در ارتش.
- ۳- لغو کلیه قوانین ضد انقلابی تدوین قوانین انقلابی.
- ۴- بازآموزی پرسنل ارتش.
- ۵- اخراج کلیه مستشاران خارجی.

حقوق دموکراتیک زنان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در پیامی که به مناسبت هفدهم اسفند روز جهانی زن انتشار داد مبارزات زنان قهرمان را که علیه امپریالیسم و اختناق جنگیده اند گرامی داشت. در این پیام به استعمار زنان و سلب آزادی آنها در رژیم گذشته اشاره شده و چنین آمده است: "ما همگام با زنان زحمتکش و مبارز ایمان داریم که تنها مبارزه پیگیر علیه فرهنگ پوسیده ارتجاعی و تمام سنت های دست و پا گیر آن

رفقای مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس

زیر ارسال نمائید:

تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر